



بر همگان روشن است که زمین در هر ۲۴ ساعت يك بار به دور خود می چرخد و از این حرکت، شب و روز به وجود می آید و همیشه آن طرف از کره زمین که رو به خورشید واقع می گردد، روز و طرف پشت زمین که در طرف سایه خود زمین واقع شده شب است؛ طول روز و شب در نقاط مختلف کره زمین مختلف و به حسب فصول دائماً در تغییر و کم و زیاد است. این مطلبی است که هر طفل دبستانی آن را می داند.

غرض از این نوشتار آن است که بر خلاف آنچه بر سر زبانهاست - و اهل فضل و تحقیق نیز کاملاً بر آن واقفند - شب و روز توأمان در کره زمین حاصل است، روز ۲۴ ساعت و شب هم ۲۴ ساعت است، بله به واسطه کرویت زمین و چرخش به دور خود، مردم کره زمین در هر منطقه، مقداری از این ۲۴ ساعت روز و مقداری از آن ۲۴ ساعت شب را درک می کنند و سر این مطلب آن است که زمین هیچ گاه از مدار خود و مقابله با خورشید خارج و منحرف نمی گردد و دائماً در پرتو تابش خورشید قرار دارد و چون دائماً نیمی از آن از مقابل پرتو خورشید در گذر است پس دائماً نیم دیگر آن در سایه زمین در جریان و گذر است. باز هم از جهت توضیح معروض می داریم:

۱- زمین دائماً در تابشی از نور از يك طرف و سایه ای تاریک از خود از يك طرف قرار دارد و هر دو (نور و سایه) مستقیم و در امتداد همدیگر می باشند و این خط تابش و سایه، همیشه و بر خلاف جهت مدار حرکت زمین یعنی جهت قطبین شمال و جنوب است.

۲- واضح است که هر شبانه روز کره زمین عبارت است از يك دور به دور خود چرخیدن و تکمیل این شبانه روز و این ۲۴ ساعت به يك دور کامل زمین است و

واضح است روز کره زمین عبارت از آن است که تمام سطح کره زمین (به مقدار تقابل نور) در این تابش روز وارد شده و خارج شود و شب هم در کره زمین عبارت از آن است که تمام نقاط کره زمین از آن سایه همیشگی پشت کره زمین رد شود. پس هر روز ۲۴ ساعت و هر شب ۲۴ ساعت است با هم، و هر نقطه و منطقه که وارد منطقه تابش شود روز آن شروع و چون خارج شود روز آن تمام و وارد شب می شود.

پس معلوم می گردد اگر در منطقه ای از زمین روز به سر آمد، روز آن منطقه به سر آمده ولی هنوز روز در کره زمین هست همانطور که اگر شب در منطقه ای پیدا و سپس رخت بربست، شب کره زمین به پایان نرسیده است و يك روز در تمام کره زمین آن هنگام تمام می شود که تمام مناطق کره زمین از منطقه تابش نور رد شود و همانطور که شب در تمام کره زمین آن هنگام به پایان می رسد که تمام مناطق کره زمین نیز در سایه خود زمین عبور نموده و به تابش دوم برسد. و ما بدین جهت گفتیم که هر شب ۲۴ ساعت و هر روز ۲۴ ساعت است، اما توأمان و با همدیگر و اندر هم، بدانسان که دائماً روز داخل شب و شب داخل روز می شود و یا به تعبیر دیگر با سرعت هر دقیقه قریب

۲۸ کیلومتر (البته در طول خط استوا) دائماً شب داخل روز و روز داخل شب می‌گردد.

از این جا مطلبی بسیار مهم برای ما روشن می‌شود که اگر در لسان شرع مقدس ویژگی خاصی برای شبی یا روزی وارد شده است آن ویژگی مربوط به همه کره زمین و ۲۴ ساعت است، هرچند که استفاده و بهره‌بری مردم از آن ویژگی شرعی ممکن است مخصوص به مقداری از این ۲۴ ساعت باشد. مثلاً شب قدر ۲۴ ساعت است ولی چون شب است هر منطقه‌ای بهره و استفاده خاص خودش را باید در وقتی که خودش در منطقه شب واقع شده است ببرد و اگر روز آمد گرچه هنوز شب قدر در کره زمین باقی است اما مجال بهره‌برداری این انسان به سر رسیده است و از همین نکته درمی‌یابیم که چرا روزهای لیالی متبرکه نیز فضیلت دارد:

وَمِنْ آثَارِ اللَّيْلِ فَسَبَّحْ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ
لَعَلَّكَ تَرْضَى^۱

... و در ساعات شب و اول و آخر روز تسبیح گوی. شاید خشنود گردی.

همچنین در روایت است که روز قدر نیز مثل شب قدر فضیلت دارد چون گرچه در منطقه‌ای روز است اما هنوز شب قدر از کره زمین رخت برنسته است و از

همین جا جواب اشکالی را می‌دهیم که گویند: اتفاقاً مسلمین و تصریح کتاب کریم و قرآن مجید بر آن است که شب قدر متعدّد نیست و آن فقط يك شب در سال است و اگر نیمی از زمین کاملاً این شب را درك کرد به طوری که اوّل طلوع صبح صادق این نیم همزمان با فرا رسیدن شب نیم دیگر است پس باید شب قدر رخت بر بسته باشد و یا شبی دیگر برای نیم کره دیگر می‌آید.

ولی حقیقت آن است که شب ۲۴ ساعت است و با رفتن شب از نیمی از کره زمین نیمی از این ۲۴ ساعت گذشته است و با چرخش يك دور کامل کره زمین این ۲۴ ساعت به پایان می‌رسد که شب قدر نیز تمام شده است و دیگر اشکالی به مطلب وارد نمی‌آید. چقدر لطیف و زیباست کلام خداوندی در قرآن مبین و آیات متعددی که در آنها تعبیر به «ایلاج اللیل فی النهار» و «ایلاج النهار فی اللیل» آمده است.

۱- تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ

فِي اللَّيْلِ^۲

شب را در روز و روز را در شب فرو می‌بری.

۱. سوره طه (۲۰): ۱۳۰. (در ترجمه آیات از ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی استفاده شد؛ دفتر مجله).
۲. سوره آل عمران (۳): ۲۷.

۲- ذَلِكْ بَانَ اللَّهُ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ
وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
بَصِيرٌ.^۳

۳- يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ
فِي اللَّيْلِ.^۴

زیرا ایلاج به معنای داخل کردن است و ظهور او عاطفه در «و یولج النهار فی اللیل» در جمع زمانی بین هر دو است نه با تقدّم و نه با تأخر چون ظهور هر دو جمله «یولج اللیل فی النهار» و «یولج النهار فی اللیل» در فعلیت و تحقق است و اگر تاکنون فکر می کردیم که مقتضای تعاقب و تداوم مستمر پشت سر هم آمدن شب و روز نیز ایلاج شب در روز و ایلاج روز در شب است گرچه این مطلب یعنی تعاقب اللیل و النهار مسلم است ولی آن هنگام که ایلاج اللیل فی النهار است دیگر ایلاج النهار فی اللیل نیست و آن هنگام که ایلاج النهار فی اللیل است دیگر ایلاج اللیل فی النهار نیست، اما اکنون می گویم که این مطلب دائمی و در هر زمان به طور فعلیت و استمرار و همسانی و توأمان ایلاج اللیل فی النهار و ایلاج النهار فی اللیل است و معنای آیه بسیار روشن و واضح است و تفسیر آیه کریمه ربطی به زیاده و نقیصه شب و روز و ادخال نقصان یکی در دیگری و یا ایتان

یکی بدل از دیگری ندارد و این دو معنی را در همه تفاسیر می بینیم و حال آنکه مخالف با ظاهر آیه شریفه است.

شاهدی لطیف بر این کلام ما آیه شریفه پنجم از سوره زمر است:

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ
اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ
وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ
مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

آسمانها و زمین را به حق بیافرید. شب را بر روز داخل می کند و روز را بر شب و آفتاب و ماه را رام گردانید و هر يك تا زمانی معین در حرکتند. آگاه باش که اوست پیروزمند و آمرزنده. بویژه با معنای طرح الشيء بعضه علی بعض که همیشه پاره ای از یکی را بر دیگری می اندازد یا بر دیگری می پیچد این معنای تکویر کاملاً مطابق است با آنچه عرض شد و دیگر نیازی به تأویل و توجیه ندارد.

و همینطور معنای آیه شریفه یغشی
اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْبُؤُهُ حَشِيئًا؛ می پوشاند شب را
به روز و روز شب را دنبال می کند با کمال
سرعت.

۳. سوره حج (۲۲): ۶۱.

۴. سوره حدید (۵۷): ۶.

۵. سوره زمر (۳۹): ۵.

۶. سوره اعراف (۷): ۵۴.

برقرار است و بنا بر آنچه
عرض کردیم فرقی ندارد که لیل مفعول
اول باشد و نهار مفعول ثانی یا به عکس.

و آن عبارت است از تداوم دائمی و
سریع بدون هیچ گونه توانی و سستی و با
فعلیت همیشگی یعنی در تمام دقائق و
ثانیه‌ها و ساعات این اغشاء و طلب

